



شرق

روزنامه

یادداشت

تربیت شهروندی؛ چپستی، جرایمی و جگونگی



رحمت‌اله خسروی*

مهم‌ترین عنصر توسعه یک جامعه، شهروندان آن جامعه هستند و باید به گونه‌ای تربیت شوند که از دانش، نگرش و مهارت‌های گوناگون برخوردار باشند. این نوع تربیت، مستلزم استفاده از کلیه ظرفیت‌ها و امکانات موجود در بخش نظام آموزش و برنامه درسی جامعه است. از آنجا که فلسفه اصلی شکل‌گیری مدارس و دانشگاه‌ها، تربیت شهروندانی مولد و فعال برای جامعه است، بنابراین طراحی آموزش و برنامه‌های درسی مناسب برای تحقق اهداف تربیت شهروندی یک ضرورت اساسی است. در حال حاضر، اهمیت مقوله تربیت شهروندی در نظام‌های آموزشی جهان آنچنان افزایش یافته که نه تنها بسیاری از اندیشمندان و محققان، مطالعات و پژوهش‌های خود را بر آن متمرکز کرده‌اند بلکه دروس مستقلی تحت عنوان تربیت شهروندی، مهارت‌های زندگی، تربیت مدنی و نظایر آن در برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها گنجانده شده است. البته باید یادآور شد گرچه پرداختن به مسئله تربیت شهروندی ازجمله مسئولیت‌های اصلی نظام آموزش و برنامه درسی است، ولی پشتیبانی نهادهای دیگر جامعه، به‌ویژه نهادهایی که صبغه فرهنگی و اجتماعی دارند، برای سهولت نل به اهداف این نوع تربیت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا انجمن مطالعات برنامه درسی ایران با درک اهمیت موضوع، پانزدهمین همایش سالانه خود را به میحت «تربیت شهروندی؛ چپستی، جرایمی و جگونگی» اختصاص داده که در روزهای شانزدهم و هفدهم اسفندماه سال جاری با همکاری دانشگاه فرهنگیان در شهر زنجان برگزار خواهد شد.

در این راستا، هفت محور برای تدوین مقاله توسط مخاطبان تعیین شده است. محور اول به مبانی تربیت شهروندی می‌پردازد. در این محور مواردی چون مبانی تاریخی، فلسفی، سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، روان‌شناختی، زیبایی‌شناختی، دینی، حقوقی و قانونی تربیت شهروندی گنجانده شده است. محور دوم به مفاهیم و مؤلفه‌های تربیت شهروندی اختصاص دارد. در این محور مفاهیم و مؤلفه‌هایی مانند تربیت شهروند آگاه به مسائل جامعه، تربیت شهروند آگاه به حقوق فردی و اجتماعی، تربیت شهروند مسئولیت‌پذیر و مشارکت‌جو، تربیت شهروند دموکراتیک،



تربیت شهروند انتقادپذیر و انتقادگر، تربیت شهروند عدالت‌خواه، تربیت شهروند صلح‌جو، تربیت شهروند حافظ محیط زیست، و تربیت شهروند حافظ میراث فرهنگی و هنری مورد توجه قرار گرفته است. در محور سوم اسناد بالادستی و تربیت شهروندی در کانون توجه واقع شده است. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سند برنامه درسی ملی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران و منشور حقوق شهروندی از جمله اسنادی است که در محور سوم مدنظر قرار گرفته است. محور چهارم، تربیت شهروندی در نظام آموزشی ایران را در بر می‌گیرد. در این محور، تربیت شهروندی در آموزش و برنامه‌های درسی (صریح و پنهان) مقاطع پیش‌دبستانی، دبستانی، متوسطه اول، متوسطه دوم و دانشگاه مورد توجه بوده است. نقش کنشگران عرصه تعلیم و تربیت رسمی و تربیت معلم پیش از خدمت نیز از جمله مواردی است که در محور چهارم طرح شده است. در محور پنجم، نقش نهادهای عمومی از قبیل نهادهای مدنی، انتظامی و قانونی ملی، نهادهای و ارکان محلی، شهرداری، صداوسیما، سازمان‌های متولی بهداشت و سلامت، سازمان‌های غیردولتی و کنشگران عرصه عمومی در تربیت شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. فضای سایبر و تربیت شهروندی یکی دیگر از مباحث مهمی است که در محور ششم به آن پرداخته شده است. در این محور مواردی از قبیل حقوق و مسئولیت‌های الکترونیکی و تربیت شهروند الکترونیک، دولت الکترونیک و تربیت شهروند الکترونیک، زیرساخت‌های فناوری و تربیت شهروند سایبر، شبکه‌های اجتماعی و تربیت شهروند سایبر، فرصت‌ها و تهدیدهای فضای سایبر در تربیت شهروندی مطرح شده است. در نهایت، محور هفتم به میحت فرهنگ و تربیت شهروندی اختصاص دارد. در این محور، تربیت شهروندی از دریچه فرهنگ ملی، قومیت، جنسیت، فرهنگ خانواده، فرهنگ مدرسه و فرهنگ دانشگاه مطرح نظر بوده است. البته مخاطبان می‌توانند درباره سایر موضوعات مرتبط با میحت تربیت شهروندی که در محورهای هفت‌گانه ذکر نشده‌اند نیز مقاله تدوین کنند.

در پایان، از کلیه صاحب‌نظران، استادان، دانشجویان، معلمان، پژوهشگران، متخصصان و دیگر علاقه‌مندان گرامی دعوت می‌شود با ارائه آخرین یافته‌های پژوهشی و دیدگاه‌ها و ایده‌های مرتبط با میحت تربیت شهروندی در این اجتماع فکوران مشارکت کرده و دانش خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. امید است این رخداد علمی فرصتی را فراهم کند تا سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان عرصه تربیت و فرهنگ بتوانند با اختیار روبه‌های مناسب، موجد اثرات مبارک بر حوزه تربیت شهروندی کشور باشند.

وبگاه همایش: <http://icsaconference15.ir>
کانال تلگرامی همایش: @icsaconference15
*دبیر علمی همایش «تربیت شهروندی؛ چپستی، جرایمی و جگونگی»

تاک

هر هفته در این ستون نوشته‌هایی درباره تربیت در آوان کودکی (تاک) منتشر می‌شود. هدف این است که آرام‌آرام در کشور از مرحله ذکر اهمیت توجه به این دوره مهم زندگی عبور کنیم و وارد مرحله اقدام و عمل درست شویم. این اقدام، هم ناظر بر چرخش‌های نگرشی و عملی والدین و مربیان و هم ناظر بر سیاست‌گذاری کشور برای این دوره است.

راهکارهایی برای کنترل اضطراب جدایی کودکان



مرضیه سعدی*

همان‌طور که در شماره قبلی اشاره شد، اضطراب جدایی در کودکان برای ورود به محیط مهد یا پیش‌دبستانی امری کاملاً طبیعی است و برای اینکه کودک سریع‌تر با محیط ارتباط برقرار کند و اضطراب او به‌مرور از بین برود، راهکارهای زیر کمک بسیاری خواهند کرد:

- ابتدا سعی کنید کودک را در زمان‌هایی کوتاه به مهد بفرستید؛ زمان‌هایی که بتواند تجربه‌های مثبتی در آن کسب کند.
- اضطراب کودک را به تسمخر نگیرید و او را به‌خاطر این ترس و اضطراب سرزنش نکنید.
- اجازه دهید کودکان بدانند که می‌فهمید چقدر سخت است انسان از کسی که تا این حد دوستش دارد جدا شود. او را درک کنید و بپذیرید، اما زیاد با او همدردی و برایش دلسوزی نکنید.
- تسلیم خواسته کودک نشوید و به او بفهمانید که در امنیت و سلامت خواهد بود.

- او را به کودکان دیگری که در آن محیط هستند معرفی کنید و بازی‌ای با آنها ترتیب دهید.
- انتظار آن را داشته باشید که در چند هفته اول ورود به مهد یا مدرسه فرزندان خسته و بیش از حد تحریک‌پذیر باشد.

- هنگام ترک کودک، او را ببوسید و با مختصر نوازشی با خوشرویی از او خداحافظی کنید.

- خداحافظی و ترک کودک را خیلی طولانی نکنید. بر احساسات دلسوزانه خود غلبه کنید و مدام نروید و برگردید.

- دزدکی و پوشاکی کودک را ترک نکنید.

- در بازی‌ها یا ایفای نقش، جدایی را با کودک تمرین کنید.

- پس از بردن کودک به مدرسه مدتی آنجا بمانید، سپس کودک را با معلم تنها بگذارید و دوباره نزد او برگردید.

قطعا هر سادری آرزوی آرامش و شادی فرزندش را دارد، اما گاهی ما مادرها رفتارهایی داریم که ناخواسته سبب آسیب‌رساندن به کودکانمان می‌شویم؛ مثلاً:

- از نوزادی تا سنین بالاتر در هر مرحله‌ای تمام کارهای کودک را ما انجام می‌دهیم. کودک می‌تواند در حدود دوسالگی قاشق به دست بگیرد و غذایش را خودش بخورد یا حدود سه‌سالگی لباس‌هایش را خودش بپوشد، ولی ما اجازه نمی‌دهیم کودک این کارها را انجام دهد و او را ناتوان و وابسته پرورش می‌دهیم.

- کودک به‌طور طبیعی باید با همسالانش ارتباط برقرار کند، ولی ما نگران هستیم و فعالیت‌های این‌چنینی را به او نمی‌دهیم. درحالی‌که زمین‌خوردن برای کودک لازم است و یاد می‌گیرد که در آینده مشکلاتش را حل کند و محتاج کسی نباشد.

*پژوهشگر مؤسسه مطالعات کودکی مدرس



تقلبی بودن قرص‌های آموزشی و کپسول‌های پرورشی

ذهنی کثیف دارند، مبتلا به ایدز فکری هستند، ویروسی که در مغز آنان رخنه و حسابی جا خوش کرده، به‌هیچ‌وجه قابل درمان نیست و کنکری خورده است که حال‌احالاها تا زمانی که چند یا چندین خانواده را در غم پاکی و معصومیت از دست‌رفته کودکان داغدار نکند، لنگرش یابرجاست و چه بد جابخوش‌کردنی است... قابل‌توجه دوستان دوستدار فرهنگ‌سازی... پس کودکانمان را با این انسان‌نماها که مصداق کالانعام بل هم اصل هستند چگونه آشنا کنیم؟ می‌دانیم جامعه آلوده به این ویروس شده است،

آنها نگرانی عظیمی نهفته است، نکند دختر من هم به عاقبت ... دچار شود، نکند پسر من هم، زمان بازگشت از مدرسه مورد تهاجم کفتار قرار گیرد. با انسان‌نمایی که در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر راحت و آسوده و با چهره‌هایی موجه می‌چرخند چطور آشنایشان کنیم، آدم‌بدهای خیالی کودکان، در دنیای واقعی هم، همان شکل هستند؟ شناخته می‌شوند؟ مانند جادوگرها هستند؟ ناخن‌های بلند دارند؟ صداهای کلفت، لباس‌های کثیف، شلاق به دست... نه ... این انسان‌نماهای مخفی در پوشش انسان‌بودنشان،

مراقب خودت باش... اگر فرد ناشناسی خوراکی تعارف کرد یا وعده خرید عروسک و دوچرخه و چه و چه به تو داد، به‌هیچ‌وجه با او همراه نشو، فوراً به مدیر مدرسه اطلاع بده و...؛ زمزمه‌های آشنای مادران و پدران به کودکانشان؛ زمزمه‌های تلخی که در پس بیان



مبینا غربا
مدرس دانشگاه



بیمه ایران، بیمه زندگی



بیمه ایران

آیا از حضور فرزندان در اجتماع جلوگیری کنیم؟ کودکانمان را تحت آموزش خود بگیریم و نگذاریم در مدارس پای بگذارند؟

ماللی نیست، اما بدانید انسان به ذات خود موجودی اجتماعی است، همان میزان که به فردیت و شخصیت نیاز دارد، به حضور در جمع هم نیازمند است، بنابراین پس از والدین، دومین جامعه‌ای که کودک وارد آن می‌شود مدرسه است و خانه دومی است که نسخه‌هایش گاه تکراری، گاه بی‌فایده و گاه سخیف است؛ گویا پزشکان متخصص آموزشی و پرورشی برای غدد سرطانی هم نسخه‌هایی مانند پزشکان عمومی می‌پیچند، اما غدد بدخیم با آسیرین کودک بروشور، تراسایکلین روزنامه‌دیواری درمان نمی‌شود...

ما می‌دانیم با دو بروشور؛ یک جلسه برای والدین و کودکان برپاکردن در مدارس، با یک سخنرانی، روزنامه‌دیواری تهیه‌کردن و... کودکان ما در برابر آسیب‌های جنسی واکنش نمی‌شوند، بهتر است به‌جای تجویز قرص‌های آموزشی و کپسول‌های پرورشی که سالیان متمادی است بی‌تاثیری و آتی‌بودن خود را اثبات کرده‌اند، برحسب تخصصان، فکری به حال کودکان این جامعه کنیم، اگر تخصصی هست. ما توقع بیجا از دوستان نظام آموزش و پرورش نداریم. راه درمانی، تربیت جنسی است، نه تربیت آتی، نه جذاب، تربیت جنسی که نوعی تربیت تابعی است، آن هم تابع آموزش‌های مستقیم، غیرمستقیم، محتوای آموزشی، آموزش‌دهنده (مربی)، استمرار در آموزش، عزت‌نفس در کودکان و ...

کمی صبر پیشه کنید؛ با خود نگویید، آموزش مستقیم؛ بهتر است به‌جای انحراف فکری به اصل بیندیشید؛ مقصود آموزش مستقیم اعمال جنسی نیست، بلکه مقصود این است که به کودکان، خودمراقبتی را مستقیم آموزش دهید، به کودکان مستقیم بگویید که باید حافظ جسم و جان خود باشند، کودکان متوجه پیرایه گفتار یا ایهام یا کنایه نمی‌شوند، لطفاً مانند انسان کامل با آنها رفتار نکنید، مانند کودک کامل با آنان مواجه شوید؛ با هزاران روش و لطایف‌الحیل که آموزگاران متخصص دوران ابتدایی کشور ما، جملگی در این خصوص تبحر دارند می‌توان این نکات را نه در برهه‌ای خاص، بلکه مادام بر اساس یک برنامه‌ریزی به کودکان آموخت.

اگر می‌گوییم غیرمستقیم، چراکه معلم می‌تواند مانند یک تدوینگر برنامه درسی ابتدایی و کاملاً قصد‌نشده نکات مهمی درخصوص مراقبه از خود را در بطن هر محتوای آموزشی جای دهد. درخصوص محتوای آموزشی، باید بدانیم که کودکان خواهان و ادراک‌گر مطالبی هستند که برایشان ملموس باشد، محتوایی که در جهت تربیت جنسی ارائه می‌شود نباید ساخته‌وپرداخته ذهن متخصصانی از فرهنگ‌های دیگر باشد. بومی‌گری در محتوای آموزشی بسیار حائز اهمیت است، چراکه کودکان ما در ایران با فرهنگ ایرانی، با عقاید ایرانی و در خانواده ایرانی رشد پیدا کرده‌اند و مفاهیم غیرملموس برایشان قابل‌هضم نیست.

اگر می‌گوییم عزت‌نفس، چراکه خودباوری لازمه رسیدن به کمال است و در حوزه تربیت جنسی باید این درک را در کودکان پدید آورد که دارای ارزش هستند و باید ارزشمند شمرده شوند و حریم خصوصی آنان یکی از مهم‌ترین مواضع ارزشی آنها به‌شمار می‌آید. در پایان لازم است بدانید اگر می‌گویید کم‌گویی ارزش است، آن را با نگویی‌ها اشتباه نگیرید... مادام نگویید (هیس) آبرودارها فریاد نمی‌زنند. با این عبارات از زیر بار مسئولیت و نگاهانی فرزندان شانه خالی نکنید و نگذارید از وجود والدینی محافظ در عین سرشاری، عملاً تهی شود.